



## در باره مدیریت اسلامی

مصاحبه با دکتر علی رضاییان  
رئیس دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

### چکیده

دکتر رضاییان در این مصاحبه ضمن اشاره به ضرورت و اهمیت پرداختن به مدیریت اسلامی و نقطه شروع آن و روش موفق در پرداختن به این بحث، مهمترین محورها را به شرح ذیل بیان کرده است: اشتراک و افتراق مدیریت اسلامی با مدیریت رایج در غرب، وجه تمایز بین مدیر و رهبر و رابطه و مرز بین حکومت و مدیریت، چگونگی تأمین و تربیت مدیران جامعه اسلامی، نقش رهبری و رهروی در تحقق مدیریت اسلامی.

● با تشکر از اینکه در این مصاحبه شرکت کردید برای شروع بحث، بفرمایید دیدگاه شما دربارهٔ ضرورت و اهمیت پرداختن به مدیریت اسلامی چیست؟

□ بین مفروضات، ادراکات، رفتار و عواطف ما ارتباط مستقیم وجود دارد؛ به عبارت دیگر ارزشهایی که بر ما حاکم است تعیین‌کنندهٔ آن مفروضات است؛ یعنی رابطهٔ ما با دیگر انسانها چیست. اصلاً تصور و فرض ما از ماهیت انسان چیست؟ فرض ما دربارهٔ زمان چیست؟ مفروضاتی که نسبت به پدیده‌های مختلف داریم بر ادراکات، و در نتیجه بر احساس و عواطف و رفتار ما اثر می‌گذارد. مدیر در داخل سازمان بر اساس ارزشهایی که به آنها معتقد است رفتار می‌کند. او نمی‌تواند ارزشهایش را در رفتارش دخالت ندهد پس ما که به عنوان مدیر اسلامی می‌خواهیم در جامعه و سازمان اسلامی مدیریت بکنیم همیشه این دغدغه فکری بر ایمن هست که این دستورهایی که می‌دهیم و این تصمیماتی که می‌گیریم آیا مورد تأیید مکتب هست یا نیست؛ برای اینکه مدیران را از این خلأ یا بگوئیم تنش روانی نجات بدهیم. چون همیشه آنها که پایبند هستند این سؤال برایشان مطرح است که کارهایشان مورد رضای خدا هست یا نیست. اگر ما بتوانیم ارزشهای حاکم بر مدیر را، یعنی ارزشهایی که باید در عمل بدانها پایبند باشد، شناسایی بکنیم، مدیرانمان را از یک تنش درونی و بحران روانی در آورده‌ایم و آنها می‌توانند با خیال راحت‌تر، بهتر و مصمم‌تر کارهایشان را پیش ببرند.

● با توجه به اینکه فرمودید پرداختن به مدیریت اسلامی ضرورت دارد برای ورود به این بحث از کجا باید شروع کرد و برای این منظور چه روشی، موفقیت‌آمیز است؟

□ به اعتقاد من از چند روش می‌توانیم این ارزشها را استخراج و زمینه‌های کاربردی آن را فراهم بکنیم. یکی از روشها خود قرآن است که سند مشروعیت نظام ماست. البته اینکه عرض می‌کنم ما، کسانی که کارشناس و متخصص در این زمینه هستند یعنی اشراف نسبتاً کاملی به قرآن و مکتب دارند آنها باید اصول مدیریت اسلامی را از قرآن با توجه به الگوهایی که در خود قرآن ارائه شده است استخراج کنند روشی که

حجة الاسلام نقی پور دارند اجرا می کنند روش خوبی است. \* روش دیگر از طریق مطالعه نظریاتی است که در مدیریت امروزه مطرح است. اول شناخت پیدا کنیم به پیش فرضها و اصل نظریات و قضایایی که از آن نظریات استخراج می شود. بعد یک مطالعه تطبیقی انجام دهیم با آن اصولی که از قرآن و مکتب استخراج می شود. در آن موقع است که ما می توانیم ببینیم چه نظریاتی مورد تأیید نظام اسلامی است که آنها حالت امضایی به خودش می گیرد و به کار گرفته می شود. آنهایی هم که مورد تأیید نیست و مغایرت دارد کنار گذاشته، و به جایش نظریاتی ارائه می شود.

● مهمترین محورهای اشتراک و افتراق مدیریت اسلامی را با مدیریت رایج در غرب چه می دانید؟

□ مهمترین افتراق در بحث ارزشهاست. چون در مدیریت غربی (حالا از مبانی که بگذریم مبانی بر اساس فلسفه لذت جویی است و دوری به اصطلاح از درد و رنج) مطالعاتی که انجام شده، حالت استقرایی دارد یعنی از صحنه عمل براساس واقعیهایی که موجود است، نتایجی را استخراج کردند؛ در حالی که در مدیریت اسلامی به حالت قیاسی عمل می کنیم. از مبانی و اصول کلی که داریم به ویژگیها می رسیم یا باید و نبایدهایی که مدیران در صحنه عمل می خواهند آنها را به کار بگیرند؛ یعنی هم در شیوه مطالعه اختلاف وجود دارد، هم در مبانی اختلاف وجود دارد؛ ولی به این معنی هم نیست که ما از کل یافته های بشری نمی توانیم استفاده کنیم. من معتقد هستم که این امکان وجود دارد که از برخی از دستاوردهای آنها استفاده بکنیم.

● با توجه به اینکه اهداف مدیریت اسلامی، عمدتاً اهدافی غایی است اگر تحقیق درست باشد در

مجموع وجه ممیزه بین مدیر و رهبر و رابطه حکومت و مدیریت کجاست؟

□ مدیریت و رهبری بحث عام و خاص است و حوزه آن دامنه عمل است. در مطالعات غربی مدیریت را عام گرفته و یکی از وظایف مدیر را رهبری و هدایت

\* - حجة الاسلام نقی پور، استاد دوره های دکتری مدیریت دانشگاه تهران می باشند که به تدریس درس مبانی فلسفی مدیریت اسلامی می پردازند. مشارالیه صاحب کتاب پژوهشی پیرامون تدبیر در قرآن می باشند.

نیروهای انسانی دانسته‌اند؛ در حالی که در نظر نظریه پردازان شرقی به ویژه اسلامی، رهبری فرایند عام است و مدیریت منحصر می‌شود به موارد خاص که بیشتر به سازمان و سطح آن محدود می‌شود. ولی اگر ما بخواهیم همه نظریات مدیریت و رهبری را خلاصه کنیم، می‌بینیم که از نظر محتوا با هم تفاوتی ندارد؛ یعنی مدیریت و رهبری از نظر محتوا مساوی است با نفوذ. هر کس بتواند بر تصمیم‌گیری دیگری اثر بگذارد او مدیر و رهبر است. آن کسی که اثر پذیرفته‌پیرو است. اگر این را از نظر محتوایی بپذیریم، آن وقت البته اینها تفاوت‌های شکلی با هم دارند یا همان‌طور که اینها را با هم مقایسه کرده و بیان می‌دارند در چه سطوحی، چه نوع مهارتهایی را با چه صفات و مشخصه‌ای رهبران دارند که مدیران ندارند یا چه ویژگیهایی را مدیران دارند که رهبران ندارند. در باره اینها مطالعات زیادی شده ولی آنچه مهم است این است که می‌توانیم بگوییم باید مدیرانی را پرورش دهیم که هر دو دسته ویژگیها را داشته باشند؛ یعنی هم توان رهبری را داشته باشند و هم توان مدیریت. به همین جهت مقاله‌ای در این مورد را جلوه‌های کمال گذاشته‌ام. یعنی اگر جفت این تواناییها و ویژگیها در کسی جمع بشود کمال مدیریت و رهبری حاصل است یعنی هر دو بعد را یکجا دارد.

● با توجه به مسائلی که فرمودید، چگونه می‌توان مدیران جامعه اسلامی را تربیت کرد؟

□ پس از اینککه مبانی را بطور کلی استخراج کردیم و بر همان اساس هم نظریه پردازی انجام شد طبعاً اینها باید جزء متون درسی بشود و به شکل کاربردی در آید که البته به برنامه بلندمدت نیاز است ولی آنچه الان به نظر من مهم است این است که ما مدیران را باید بطور مستمر آموزش بدهیم بویژه آموزش خودسازی؛ چون غیر از اینکه باید دانش مدیریت را که بیشتر به چگونگی اداره امور مربوط است حالا اگر بر حسب ضرورت هم هست و ما در حالات ضروری ممکن است به اصطلاح از روشهایی هم علی‌رغم میل باطنی مان استفاده بکنم ولی در هر حال به صورت موقت، این است که دانش روز مدیریت را باید به مدیرانمان آموزش دهیم و از آن طرف هم در زمینه خودسازی آنها کار کنیم تا بتدریج بتوانیم آن محتوایی را که در واقع مورد تأیید مکتب

است تدوین بکنیم و به صورت آموزشی در آوریم.

● لطفاً مرز بین مدیریت و حکومت و نوع رابطه این دو را تبیین بفرمایید.

□ البته حکومت در سطح کلان و مدیریت عمدتاً آنچه مصطلح است در سطح خرد در سطح سازمان؛ ولی آنچه تجربه نشان می‌دهد اینست که از یافته‌های مطالعاتی که در سطح سازمانها انجام شده، در سطح کلان حکومتی استفاده کرده‌اند. پس می‌رساند که ماهیت حکومت با مدیریت خیلی تفاوت ندارد. البته دامنه و نوع مسائلی که با آنها روبرو می‌شوند متفاوت است. حالت این را دارد که مثلاً در سطح عالی عمدتاً با مسائل نو روبرو هستیم و در سطح عملیاتی با مسائلی که قابلیت کنترل بیشتر دارد. همین نسبت را می‌شود درباره سازمان و حکومت وارد کرد؛ مثلاً در سطح حکومت مسائلی وجود دارد و ارتباط و تأثیر متقابل اینها بر همدیگر هم مورد بحث است که در سطح خرد سازمان اینها در حد خردش مطرح است والا این طور نیست که ما فکر کنیم مثلاً تفاوت ماهوی وجود دارد. به نظر من این طور نیست و ما می‌توانیم از یافته‌های اینها استفاده کنیم.

● با توجه به اینکه، که در سالروز شهادت شهید بهشتی هستیم و ایشان، شخصی مدیر و مدبر و الگو برای جامعه ما بود، بفرمایید که نقش الگوسازی و الگوپذیری یا به عبارت دیگر رهبری و رهروی در تحقق مدیریت اسلامی چیست؟

□ یکی از نظریاتی که در معرفت‌پذیری یادگیری امروزه مطرح است نظریه معرفت‌پذیری اجتماعی است. این نظریه در واقع اشاره به همین است که اصولاً انسانها رفتارهای دیگران را در ذهن خودشان، البته آن رفتارهایی که استنباط می‌کنند خوب است ضبط می‌کنند. حالا این یا بر اساس احساس درونی خودشان است یا بر اساس بازخورهایی است که محیط به آن رفتارها داده است؛ یعنی ما وقتی می‌بینیم کسی رفتاری انجام داده و دیگران از این رفتار استقبال کردند سعی می‌کنیم عین آن را در ذهن خودمان ثبت و ضبط کرده مطابقش عمل کنیم. کسی رفتاری کرده، بازخور مناسب

دریافت نکرده است ما سعی می‌کنیم آن را عمل نکنیم. همان نکته‌ای که لقمان مطرح می‌کند. ادب از که آموختی از بی‌ادبان؛ لقمان در واقع اشاره به همین نظریه معرفت‌پذیری اجتماعی دارد یعنی، به عنوان اینکه یک بعد اجتماعی در همه انسانها هست. در محیطهای اجتماعی زندگی می‌کنیم چه به صورت خود آگاه و چه به صورتی ناخود آگاه، این الگوسازی را انجام می‌دهیم؛ متاهی مهم این است که ما اگر الگویی هم می‌سازیم کسی را می‌خواهیم الگو قرار دهیم حساب شده و آگاهانه باشد و کسانی را الگو قرار دهیم که مورد تأیید مکتب هستند. همانطوری که در دستورها آموزشهای دینی هم هست که خداوند پیامبر را به عنوان بهترین اسوه مطرح می‌کند. این است که بزرگانی که بودند هم در عمل و هم در فکر، مورد تأیید نظام هستند آنها می‌توانند برای ما بهترین الگو باشند.

● شما فرمودید که مطالعات تطبیقی، باید باشد مثلاً رهبری را غربی‌ها چه معنا می‌کنند و کتاب و سنت، رهبری را چه معنا می‌کنند. تا رهبر معنا نشود تا رهبر در ذهن شخصی روشن نباشد، نمی‌تواند به منابع مراجعه کند.

□ نه، یک موقع هست که شما یکسری کلید واژه انتخاب می‌کنید می‌گویید من می‌خواهم ببینم این واژه‌ها در متون اسلامی در قرآن و حدیث چیست، این خوب و بسیار مورد تأیید است؛ ولی اینکه ما بیاییم دانش غربی را ملاک قرار دهیم و در منابع بگردیم و بگوییم بر اساس این چیزی که غربی‌ها می‌گویند ما فکر می‌کنیم این حدیث به این هم می‌خورد، یعنی بخواهیم آنها را مشروعیت ببخشیم، این روش درستی نیست.

با آرزوی توفیق برای شما و ادای سپاس از اینکه در این مصاحبه شرکت کردید.